

نقش تغافل در تحکیم روابط زوجین

مرضیه انصاری^۱، کوثر یوسفی نجف‌آبادی^۲

چکیده

اصل تغافل یکی از راهکارهای قرآنی و اسلامی برای تحکیم روابط زناشویی است. تغافل بدین معناست که انسان با وجود اینکه از خطای شخص دیگر آگاهی یافته است خود را به غفلت بزند و وانمود کند که عیب دیگری را ندیده و از آن آگاه نشده است. تغافل عاملی است که در محیط خانواده و زندگی مشترک موجب تحکیم روابط زوجین می‌شود و شادکامی و زندگی همراه با آرامش و به دور از تنش را به ارمغان می‌آورد. در آیات و روایات، تأکید فراوانی بر مسئله چشم‌پوشی از خطاهای دیگران شده است و فواید و آثار شگفت‌انگیز آن بر شخص خطاکار، شخص تغافل‌کننده و جامعه مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تغافل، غفلت، صفح، عفو، مدارا.

۱. مقدمه

اسلام یکی از ادیان آسمانی و توحیدی است که هدف آن سعادت و تکامل انسان است و برای رسیدن به بقا و حیات جاوید، راهکارهای جهان‌شمول ارائه کرده است. اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دستورات حق برای تحکیم پایه‌های زندگی خانوادگی، قوانین متناسبی را وضع کرده است؛ زیرا زیربنای رشد فکری و تربیتی انسان از نظام خانواده آغاز می‌شود. بر این اساس، خانواده به عنوان نهاد کوچک اجتماعی در تکامل انسان نقش اساسی دارد و گذشته از آنکه قانون تناسل و تولید مثل از طریق آن شکل می‌شود و تربیت اولیه را برعهده دارد بنای تعامل و تفاهم را بین دو فرد ایجاد می‌کند به گونه‌ای که صادق‌ترین عواطف و علاقه‌ها در این پیوند بروز

۱. دانش‌پژوه کارشناسی علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، افغانستان.

۲. مدرس گروه علمی- تربیتی قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه. ایران.

می‌کند. یکی از قواعد جامعه‌ساز و عشق‌آفرین الهی تغافل یا توجه نکردن به ضعف‌های دیگران است به این معنا که انسان با متجلی شدن به صفت ستاربت حق چشم از عیوب دیگران بپوشد و خطای دیگران را نادیده بگیرد. این خصلت در تحکیم روابط زناشویی و مقتدرکردن پایه‌های عشق در زندگی نقش مهمی دارد و حاصل آن، استحکام روابط عاشقانه در بین زوجین و سایر افراد خانواده و جامعه است. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر با توجه به جایگاه روابط زناشویی شکل می‌گیرد؛ زیرا هر اندازه که این روابط مبنای محکم و مستحکم داشته باشد حاصل آن اقتدار خانواده و فرزندان صالح خواهد بود و هر اندازه پایه‌های روابط متزلزل باشد حریم خانواده درهم می‌شکند و در اینجاست که تغافل به‌جا و نادیده‌گرفتن به موقع علاوه بر اینکه از جهت کرامت نفس و تربیت افراد اهمیت دارد در پاره‌ای از مواقع ضرورت زندگی است و عقل و مصلحت، انسان را به رعایت آن به عنوان یکی از عوامل تحکیم روابط وامی‌دارد.

مقاله حاضر به بیان نقش‌آفرینی تغافل در تحکیم روابط زوجین و آثار مثبت آن در تقویت نظام خانواده با استناد به آیات و روایات و همچنین بیان مرزهای آن در زندگی مشترک می‌پردازد. آنچه که نگارنده در پی آن است راهکار دینی تغافل مثبت در تحکیم روابط زناشویی و ایجاد عشق و علاقه به زندگی مشترک است؛ یعنی جایگاه و ارزش تغافل که همراه با عملکرد تربیتی صورت پذیرد و نتیجه آن تبلور زندگی عاشقانه است. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که از نگاه قرآن و روایات تغافل چگونه باعث تحکیم روابط زن و شوهر می‌شود و مرزهای تغافل در جهت دستیابی به تحکیم روابط زوجین براساس آموزه‌های دینی چگونه ترسیم می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. تغافل در لغت

تغافل واژه عربی از باب تفاعل و از ریشه غفل است که معنای آن عبارت از خود را به غفلت‌زدن، خویشتن را غافل و انمودکردن و چشم‌پوشی کردن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۷۷۲/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۹۸/۱۱)

۲-۲. تغافل در اصطلاح

تغافل در اصطلاح عبارت است از اینکه آدمی چیزی را که می‌داند و از آن آگاه است با اراده و به‌طور عمدی خود را به بی‌خبری و غفلت بزند و این‌گونه وانمود کند که از آن ناآگاه و بی‌اطلاع است و در

واقع خود را به ظاهر غافل نشان دهد حال آنکه در حقیقت نسبت به آن آگاهی دارد. بدیهی است که این حالت آنگاه صفتی پسندیده و ممدوح دانسته می‌شود که انسان با هدف دست‌یابی به ثمرات و نتایج تربیتی آن از لغزش‌ها و عیوب دیگران چشم‌پوشی کند و خود را در ظاهر بی‌خبر و ناآگاه نشان دهد تا در اصلاح رفتار و کردار دیگران تأثیر مثبت و سازنده داشته باشد. (اکبری‌فرد، ۱۳۹۷، ص ۱۲)

این مفهوم نقش مثبت تغافل را بیان می‌کند. هر مفهوم و محتوایی که چشم‌پوشاندن و بی‌اطلاع جلوه‌دادن خود را دربرگیرد هم‌سنخ واژه تغافل است. این مفهوم بیشتر رفتاری است که در رابطه زناشویی، یکی از دو طرف در برابر عمل ناپسند دیگری اظهار چشم‌پوشی و ابراز بی‌اطلاعی می‌کند.

۳. تبیین مفهومی تحکیم خانواده

مقصود از تحاکم نقش زوجین نگه‌داشتن یک بنا با سستی و ناپایداری آن هم به هر قیمت ممکن نیست. قرارگرفتن زن و شوهر زیر یک سقف به قیمت ظلم و تعرض به یکی از آنها یا نادیده‌انگاشتن حقوق آنها یا توصیه و سفارش به گذشت و چشم‌پوشی بی‌مورد از خطاهای دیگری و پذیرش ظلم و بی‌عدالتی برای جلوگیری از طلاق و جدایی هرگز به معنای ثبات و استواری کانون خانواده نیست؛ زیرا سرپابودن خانواده با تحکم و ظلم و تحمل یکی و بردباری دیگری از سر ناچاری و ترس از فروپاشی خانواده آرامشی که هدف از ازدواج است را در پی نخواهد داشت و اگر در ظاهر پایدار باقی بماند از درون پوسیده و بی‌ثبات است و بی‌شک نمی‌تواند نشانگر خانواده سالم و بانشاط باشد. (نوری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹) نتیجه تحکیم روابط زوجین، حاکمیت اصل اعتدال و اخلاق و حفظ حقوق زن و شوهر است. قوانین اسلام برای تحقق این هدف همواره همسران را به تمایل و گرایش به محاسن اخلاقی و انجام وظایف فرامی‌خواند و آنان را از هرگونه رابطه و خواسته‌های یک‌جانبه و ظلم و تعدی به دیگری که سبب تضعیف فضای انس و الفت در خانواده می‌شود برحذر می‌دارد، پس در خانواده مستحکم و باثبات روابط اعضا به‌گونه‌ای است که هر دو به یکدیگر یاری می‌رسانند و با همکاری هم زندگی را به پیش می‌برند.

۴. مفاهیم مرتبط با بحث تغافل

در فرهنگ اصطلاحات دینی واژه‌های صفح، عفو، مدارا، حلم، صبر، تساهل و تسامح در مفهوم تغافل به‌کاررفته است که در ذیل چند آیه به آنها اشاره می‌شود.

۴-۱. تفاوت تغافل با واژه‌های صفح و عفو

در مقایسه بین واژه صفح و عفو گفته‌اند: «هرچند عفو و صفح به یک معنی و هر دو در مورد چشم‌پوشی و گذشت از تقصیر دیگران است، ولی باید دانست که واژه صفح در افاده این معنا رساتر است؛ زیرا در صفح علاوه بر مفهوم گذشت به‌رونی‌آوردن و روی‌گردانیدن و گناه طرف را نادیده گرفتن نیز ملحوظ است». (مححص، ۱۳۹۲، ص ۴۵) راغب در مفردات ذیل واژه صفح بر این باور است که صفح نسبت به عفو در مفهوم تغافل، معنای رساتری دارد. ممکن است کسی را پس از محکوم کردن به مجازات عفو کنند، اما صفح آن است که روی بگردانی و گناه طرف را نادیده بگیری و اگر مجرم در مقام عذرخواهی برآمد طوری با او برخورد کنی که گویی اصلاً گناهی از او سر نزده است. در عفو با فرض گناه، روی آن سرپوش می‌گذارند، اما در صفح به‌طور کلی گناه را نادیده می‌انگارند. راغب در مورد واژه صفح می‌گوید: «الصفح ترک التثریب؛ صفح آن است که مجرم را سرزنش نکنی و گناهِش را به روی او نیاوری» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۱). آیاتی که صفح در آن به معنای تغافل به کار رفته است عبارتند از:

«... فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ...»؛ ... شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد...». (بقره: ۱۰۹)

«فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ...»؛ پس (اکنون که چنین است) از آنان روی برگردان و بگو: «سلام بر شما...». (زخرف: ۸۹)

«... فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ...»؛ پس، از آنها به طرز شایسته ای صرف نظر کن (و آنها را بر نادانیهایشان ملامت ننما). (حجر: ۸۵)

پس معنای صفح در آیات شبیه به تغافل است، اما عفو و بخشش فرق دارد؛ زیرا عفو بعد از مراجعت و توبه گناهکار است، ولی صفح عملی است که طرف باور دارد که از گناه او خبر ندارد و طرف مقابل بی‌خبری را اختیار می‌کند در حالی که باخبر است. از دیگر واژه‌های مترادف تغافل، تثریب به معنای تغافل است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ لَأَنْثَرِيَبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ (یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می‌بخشد؛ و او مهربانترین مهربانان استگفت امروز بر شما توبیخ و ملامتی نیست. خداوند شما را می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است» (یوسف: ۹۲).

۴-۲. تغافل و تساهل و تسامح

برخی تساهل و تسامح را به یک معنا گرفته‌اند، اما با دقت در کاربرد واژه تساهل و تسامح می‌توان به تفاوت‌های میان این دو دست یافت. تساهل از ماده سهل به معنای آسان‌شدن، نرم‌شدن، آسانی و نرمی است. واژه دشوار در مقابل این کلمه است. تسامح از ماده سمح به معنای آسان‌گرفتن، نرم‌شدن، گذشتن از جرم، مدارا کردن و سهل‌انگاری آمده است، اما کلماتی با همین معنا مانند مفهوم صفح و احسان که در برابر خشونت، تعصب و غلو است در قرآن دیده می‌شود. تساهل را در یک نگاه می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: تساهل مطلق و تساهل نسبی. تساهل مطلق عبارت است از مداخله و مخالفت نکردن با هر نوع عقیده، شیوه و رفتار در هر زمان و مکان و به هر شکل. با مراجعه به تاریخ اندیشه‌ها و حتی تاریخ سیاسی جهان مشخص می‌شود که هیچ‌جا از تساهل نامحدود صحبتی نیست. دست کم یک حد و مرزی برای آن وجود دارد و آن هم این است که شما کسانی را که تساهل را نمی‌پذیرند مورد تساهل قرار نمی‌دهید. تساهل نسبی عبارت است از مداخله و مخالفت نکردن با برخی عقیده و شیوه‌های رفتار در برخی زمان‌ها و مکان‌ها. (بهرام طجری، ۱۳۸۱، ص ۲۳) با قبول تساهل مطلق هیچ‌کسی حق مداخله در کار دیگری و ممانعت او از انجام کار دل‌خواهش را ندارد. بر این اساس جلوگیری از هرگونه فساد و تباهی ممنوع است. در حوزه دین، تساهل نسبی وجود دارد و یکی از ویژگی‌هایی که برای دین اسلام بیان شده صفت سهله است. این سخن به معنای آن است که پیمودن راه‌های شریعت، سهل و آسان است همان‌گونه که حرکت در یک اتوبان راحت‌تر و آسان‌تر از حرکت در جاده‌های معمولی است.

با توجه به این نکته در مواردی که شریعت به سهله و سمحه توصیف شده است (بهرام طجری، ۱۳۸۱، ص ۲۴)، می‌توان این برداشت را داشت: «با روحیه بزرگ‌منشی به خدمت دین بروید که محتوای آن دین بر سخت‌گیری استوار نشده است». باید توجه داشت که در این معنا بی‌تفاوتی درج نشده است؛ زیرا در بی‌تفاوتی، شخص احساس مسئولیت نسبت به چیزی یا کسی را ندارد. از این‌رو نسبت به آن بی‌تفاوت است در صورتی که تلاش فرد تساهل‌ورز و تغافل‌کننده بر این است که بین رفتار ناشایست و انجام‌دهنده رفتار ناشایست تفاوت قائل شود تا به این وسیله به شخصیت افراد آسیبی نرسد و با خطایی جزئی حریمشان شکسته نشود. در تغافل هدف مربی آن است که با احساس مسئولیت و نوع عملکرد خود از حادث شدن وضعیت

متربی و روبه وخامت گذاشتن شرایط موجود جلوگیری کند و تا آنجا که ممکن است به او فرصت بازگشت و بازبایی داده شود.

۴-۲-۱. نقاط اشتراک تغافل و تساهل

- عنصر آگاهی و اختیار در هر دو وجود دارد؛
 - در هر دو مورد توان ابراز مخالفت و اعتراض وجود دارد؛
 - تغافل و تساهل آنگاه نیک خواهد بود که انگیزه مثبتی آن را همراهی کند؛ زیرا ممکن است تغافل‌کننده به انگیزه منفی و نامطلوب به تغافل روی بیاورد یا تساهل‌کننده به بهانه سهولت در دین به تساهل روی آورده و اصلی از اصول دین را نادیده بگیرد. بنابراین، می‌توان گفت که هم تغافل و هم تساهل دو جنبه مثبت و منفی دارند.

۴-۲-۲. نقاط اختلاف

- در تساهل، وانمودکردن مطرح نیست در صورتی که عنصر اصلی در تغافل وانمودکردن و نادیده‌انگاشتن است؛
 - در تغافل احساس تنفر از کاری که توسط خطاکار صورت گرفته، دیده می‌شود. تغافل‌ورز با مشاهده لغزش دیگران در خود احساس تنفر می‌کند، اما به دلیل هدف تربیتی برتر مانند پاسداشت شخصیت و کرامت انسانی طرف مقابل تنفر خود را بروز نمی‌دهد و تلاش می‌کند به صورت غیرمستقیم متربی را از لغزش بازدارد، اما سهولت و آسانی در کارها در جوهره واژه‌شناختی تساهل اشراب شده است؛
 - تساهل بیشتر به ساحت فردی انسان نظر دارد در حالی که در تغافل بیشتر به ساحت اجتماعی توجه می‌شود. (بهرام طجری، ۱۳۸۱، ص ۲۵)

۵. اقسام تغافل

۵-۱. تغافل مثبت (پسنیدیه)

تغافل پسنیدیه ویژگی‌هایی دارد که آن را از جمله اخلاق حمیده به‌شمار می‌آورد. تغافل مثبت یعنی، اینکه انسان چیزهایی را از دیگری بداند که پنهان کردن آن ضروری و پسنیدیه باشد. به دیگر سخن فرد، خود را نسبت به مسئله‌ای که اظهارش عواقب و نتایج نامطلوب دارد به بی‌اطلاعی و ناآگاهی بزند و با هدف حفظ آبرو و شئون دیگران با بزرگواری و کرامت از کنار خطا

و عیب ایشان عبور کند و آن را برای اشخاص دیگر و حتی خود شخص افشا نکند. اگر انسان بپذیرد که به استثنای ذوات معصومین علیهم السلام سایر انسان‌ها هر یک عیوب و لغزش‌هایی دارند که تمایل دارند این عیوب را از دید دیگران پنهان نگهدارند در این صورت هیچ انسانی نباید تمایلی به پرده‌داری و افشای عیوب دیگران داشته باشد و موجب هتک حیثیت و آبرو یا کرامت اشخاص دیگر شود. بدیهی است که خدشه‌دار کردن آبروی اشخاص به نوعی سبب تشویق خطا و گمراهی می‌شود و تجری خطاکار را موجب می‌شود؛ زیرا آنگاه که نگرش به یک فرد در جامعه مثبت نباشد او از انجام کارهای ناپسند به صورت علنی ابایی نخواهد داشت (اکبری فرد، ۱۳۹۷، ص ۲۶)، ولی اگر انسان در حفظ آبروی انسان خطاکار بکوشد شاید تشویق شود تا دیگر به سوی گناه نرود؛ زیرا هنوز پرده حیای او حفظ شده است و این خود سبب حرمت برای فرد می‌شود. امام علی علیه السلام درباره جایگاه و منزلت تغافل مثبت می‌فرماید: «عظّموا اقدارکم بالتغافل عن الدنی من الامور؛ مقام و جایگاه خود را با تغافل بلندمرتبه سازید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۴/۷۵)؛ یعنی وقتی انسان نسبت به گناه دیگری خود را به بی‌اطلاعی بزند علاوه بر تأثیرات مثبت در شخصیت فرد گناه کار منزلت و جایگاه تغافل کننده را نیز در نزد خدا عالی می‌کند و اگر آن فرد همسر او باشد حرمت و احترامشان برای یکدیگر حفظ می‌شود، ولی اگر افشاگری شود پرده‌های حرمت خانوادگی نیز می‌درد و با دریدن پرده‌های حرمت در خانواده این نظام مقدس از هم می‌پاشد. بنابراین، یکی از جاهایی که بزرگان بر تغافل تأکید می‌کنند در روابط زناشویی است؛ زیرا این افراد همواره کنار یکدیگرند و مصالح مشترک بسیار دارند که اساس و بنیاد خانواده را تشکیل می‌دهد و حفظ این بنیاد از شاهکارهای زندگی است.

۲-۵. تغافل منفی (ناپسند)

تغافل آن است که فرد نسبت به گناه و خطای طرف مقابل خود را به بی‌خبری یا بی‌اطلاعی می‌زند. در یک پیوند زناشویی وقتی طرفین نسبت به خطاهای یکدیگر خود را به بی‌اطلاعی بزنند جزء اخلاق پسندیده و از شگرف‌های زندگی مشترک است که اساس این پیوند را مستحکم می‌کند، اما اگر فردی نسبت به اعمال زشت خود، خود را به بی‌خبری بزند و همواره دنبال رذایل اخلاقی باشد جزء اعمال ناپسند و خطرناکتر از گناه است که انسان هم گناه انجام می‌دهد و هم خود را از پیامد منفی آن که آگاهانه دست به چنین عملی زده است بی‌اطلاع جلوه می‌دهد. تغافل منفی در برابر تغافل مثبت

قرار دارد که پیامدهای آن از غفلت نیز خطرناکتر و ناپسندتر است و می‌تواند سبب بدبختی و سقوط انسان شود. چنان‌که انسان باید واقعیت‌های زندگی خویش را بداند و بپذیرد که زندگی او در دنیا ناپایدار و موقتی است و جهان مادی تنها گذرگاه و معبری است که انسان باید در زمان محدودی از آن عبور کند و قدرت‌ها و ثروت‌ها و زخارف دنیوی برای او مالکیت موقت و اعتباری ایجاد می‌کند که قابلیت اتکا و دل سپردن ندارند. انسان با عبور بی تفاوت از کنار این واقعیت خود را به نادانی و بی‌اطلاعی می‌زند که آثار زیان‌بارش از غفلت هم بیشتر است؛ زیرا غافل ناآگاهانه گرفتار حوادث می‌شود، اما تغافل‌کننده با آگاهی دچار عواقب سوء می‌شود. توجه به این نکته مهم است که پسندیده و مثبت‌بودن تغافل یا ناپسند و نابه‌جا بودن آن در موارد مختلف فرق می‌کند. بدیهی است آنجا که نتیجه تغافل، اصلاح رفتار شخصی است که از او عیب یا خطایی سرزده است و تغافل موجب عدم تکرار یا جبران خطا و عیب باشد تغافل مثبت و به‌جا محسوب می‌شود و از فضایل اخلاقی به‌شمار می‌آید، ولی اگر نتیجه تغافل و چشم‌پوشی از عیب دیگران افزایش جسارت شخص بر تکرار خطا و عیب باشد تغافل منفی و نابه‌جا دانسته می‌شود و جزء ردایلی اخلاقی محسوب می‌شود. (اکبری‌فرد، ۱۳۹۷، ص ۲۷)

۶. مرز و قلمرو تغافل

۶-۱. در موارد خطا

تغافل مربوط به مواردی است که شخص مرتکب خطا یا گناهی شده است و از آگاه شدن دیگران بیم و هراس دارد و حیثیت و آبروی خویش را در معرض خدشه‌دار شدن می‌بیند. در چنین مواردی خیر و صلاح در این است که راز او پوشیده باشد و از دانسته‌ها و علم خویش تغافل شود تا خطاکار برای مصون داشتن شرافت خود پیرامون آن خطا نگردد و گناهی را که مرتکب شده است، تکرار نکند (اکبری‌فرد، ۱۳۹۷، ص ۴۰) و اگر کسی گناه طرف را افشا کند و تغافل نکند پرده حیای گناهکار پاره و در عمل ناروای خود جری و جسور می‌شود.

۶-۲. تغافل در امور جزئی و غیر سرنوشت‌ساز

تغافل مربوط به امور مهم و سرنوشت‌ساز نیست بلکه مربوط به امور جزئی و کم‌اهمیت است که در زندگی هر انسانی ممکن است پیش آید. طبیعی است اگر تغافل بیش از حد یکی از زوجین به سوء استفاده طرف مقابل بیانجامد یا او را در تکرار خطای خویش جری کند دیگر نمی‌توان

آن را یک ویژگی مثبت و پسندیده دانست بلکه نشان ضعف و کوتاهی شخص ارزیابی می‌شود؛ زیرا چنین مدارا و گذشت می‌تواند در آینده آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد. (اکبری‌فرد، ۱۳۹۷، ص ۴۱)

۶-۳. تغافل مبتنی بر عقل و مصلحت

تغافلی که در متون دینی پسندیده و ممدوح دانسته شده است و مورد تأکید اولیای دین قرار گرفته است عبارت است از تغافلی که از عقل و مصلحت ناشی شود و با اخلاق و فضیلت انسانی هماهنگ باشد. بنابراین، آنچه از محدوده خردورزی و مصلحت خارج باشد و یا با اخلاق حسنه و ارزش‌ها منطبق نباشد خارج از قلمرو تغافل مثبت و پسندیده‌ای است که در تعالیم اسلام بدان توصیه و تشویق شده است. (اکبری‌فرد، ۱۳۹۷، ص ۴۲) نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که تغافل به عنوان یک ارزش اخلاقی که بر پایه خردورزی، ایمان و فضایل اخلاقی استوار است زمانی پسندیده و دارای آثار سازنده است که با حسن نیت و هدف مصلحت جویانه اعمال شود. بدیهی است آنگاه که انسان از روی هوای نفس و براساس اندیشه‌های پلید مبادرت به تغافل و چشم‌پوشی کند این امر نه تنها منجر به نتایج سودمند نخواهد بود بلکه آثار زیان‌باری را به دنبال خواهد داشت.

۶-۴. پرهیز از تغافل نسبت به خطاهای تکرار شونده و فراگیر

در متون دینی با وجود تأکید فراوان بر لزوم خوش‌رفتاری همسران و بهره‌گیری از مهارت تغافل به عنوان یکی از روش‌های عملی در تحکیم روابط زناشویی به این موضوع توجه خاص شده است که چنانچه تغافل نسبت به رفتاری سبب شود فضای خطا و گناه در کانون خانواده فراگیر شود تغافل جایز نیست. (محصص، ۱۳۹۲، ص ۹۶) در توضیح این نکته باید گفت خطا و انحراف با روح شریعت ناسازگار و ارتکاب آن از جانب هر فردی زیان‌بار است و خردمندان به حکم عقل و شرع موظفند از آن جلوگیری کنند. در این‌گونه موارد وظیفه اسلامی، عمل به نخستین مرحله نهی از منکر است که روی‌گردانی و نشان‌دادن حالت تنفر و انزجار از عمل ناشایست است و چنانچه فرد خطاکار متنبه نشد باید مستدل، محکم، منطقی و در عین حال با خوش‌خلقی و ادب وی را راهنمایی کرد؛ زیرا حلاوت گفتار، خوش‌رویی، استدلال قوی، گفت‌وگوی منطقی،

اخلاص و دلسوزی پیش از هر چیز دیگر بر طرف مقابل تأثیر می‌گذارد و سبب اصلاح وی می‌شود.

۷. اهمیت تغافل در قرآن و روایات

۷-۱. تغافل در قرآن

قرآن کریم که چراغ راه زندگی و بیان‌گر راه سعادت برای انسان است و اخلاق و سعادت هر دو جهان را برای انسان بشارت می‌دهد در کنار مسائل اعتقادی، احکام عملی و اخلاقیات را جزء کمالات انسانی مطرح می‌کند. انسان و کمال انسان وابسته به اخلاق و صفات حمیده‌ی او است؛ زیرا انسان جلوه تمام‌نما از صفات حق و مظهر تجلی صفاتی او و خلیفه او در روی زمین است که حتی فرشتگان بر وی سجده کرده‌اند و بر انسان لازم است که از این ظرفیت‌های خدادادی استفاده کند و مسیر کمال را به اتمام رساند. تغافل نیز یکی از صفات پسندیده انسان‌های بزرگ و بزرگ‌منش است که در آیات متعدد بر آن اشاره شده است. واژه تغافل در قرآن به کار نرفته است. هر چند که واژه‌گانی دیگر که مفهوم اصطلاحی آن را می‌رساند در آیات قرآنی به کار رفته است. از آن جمله واژه صفا است که در چندین آیه به معنای اصطلاحی تغافل از لغزش‌های دیگری استعمال شده است. خداوند می‌فرماید: «... وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَّا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ آنها باید عفو کنند و چشم‌پوشند؛... آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد و خداوند آمرزنده و مهربان است» (نور: ۲۲). «... فَأَعْفُوا وَ الصَّفْحُ حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ...؛ شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد...» (بقره: ۱۰۹). «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ.. پس، از آنها به طرز شایسته‌ای صرف نظر کن (و آنها را بر نادانیهایشان ملامت ننما)» (حجر: ۸۵).

۷-۲. تغافل در روایات

با استفاده از آیات قرآن کریم تغافل یکی از ویژگی‌های بارز پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که بعد از ایشان ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام این سنت حسنه را در پیش گرفت و احادیث زیادی در این زمینه از ناحیه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نقل شده است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «صَلاحُ شَأْنِ النَّاسِ التَّعَايُشُ وَ التَّعَاشِرُ مَلَأَ مَكْيَالَ: ثَلَاثَةٌ فَطَنٌ وَ ثَلَاثٌ تَغَافُلٌ؛ سامان‌یافتن کار مردم به این است که طوری با هم معاشرت کنند که مانند پیمان‌ه‌ای باشند که دو سومش هوشیاری و یک سومش نادیده‌گرفتن و چشم‌پوشی

باشد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ۴۳۷۴/۹) امام رضا علیه السلام درباره سنن و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مسئله تغافل نسبت به خطاهای دیگران اشاره می کند و می فرماید: «فَقَالَ كَانَ دَائِمَ الْبِشْرِ سَهْلَ الْخُلُقِ لِيِنَّ الْجَانِبِ لَيْسَ بِفَطْرٍ وَلَا غَلِيظٍ وَلَا صَخَابٍ وَلَا فَحَاشٍ وَلَا عِيَابٍ وَلَا مَزَاحٍ وَلَا مَدَاحٍ يَتَغَافَلُ عَمَّا لَا يَشْتَهِي فَلَا يُؤَيِّسُ مِنْهُ وَلَا يُحَيِّبُ فِيهِ مُؤَمِّلِيهِ قَدْ تَرَكَ نَفْسَهُ مِنْ ثَلَاثِ الْمِرَاءِ وَالْإِكْتَارِ وَمَا لَا يَغْنِيهِ وَتَرَكَ النَّاسَ مِنْ ثَلَاثٍ كَانَ لَا يَدْنُمُ أَحَدًا وَلَا يُعَيِّرُهُ وَلَا يَطْلُبُ عَثْرَاتِهِ وَلَا عَوْرَتَهُ؛ هُمُورَهُ خَوْشِ رُوءٍ وَمَلَائِمٍ وَخَوْشِ بَرِخُورٍ بُوَدٍ. سَخْتٌ غَيْرٌ، دَادُوفِرِيَادٍ كُنْ وَبِدْزِيَانِ بُوَدٍ، نَهْ عَيْبِ جُو بُوَدٍ وَنَهْ سَتَائِشِ گِرْ. دَرِ مَقَابِلِ أَنْجَهْ دُوسْتِ نَمِي دَاشْتِ خُودِ رَا بَهْ غَفْلَتِ مِي زِدْ وَبَهْ رُوءِ خُودِ نَمِي آوَرْدِ. كَسِي اَزِ اِيْشَانِ نَا مِیْدِ نَمِي شُدِ. سَهْ كَارِ رَا دَرِ بَارَهْ مَرْدَمِ اَنْجَامِ نَمِي دَادِ: كَسِي رَا مَذْمُوتِ وَتَقْبِيْحِ نَمِي كَرْدِ، لَغْزَشِ هَا وَ مَسَائِلِ پَنَهَانِي اَفْرَادِ رَا دَنْبَالِ نَمِي كَرْدِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۳۱۹/۱). با استفاده از این حدیث نبوی چند درس مشهود است: اول اینکه تغافل سبب می شود انسان در آرامش و نرمش باشد و از تندخویی و بد رفتاری و قضاوت های جانب مدارانه دوری کند. ممکن است انسان با رعایت نکردن تغافل در امور دیگران مرتکب گناه بزرگ تر شود چون هدایت و راهنمایی، تزکیه نفس و سکینه قلب را لازم دارد تا با زبان محبت سخن تاثیرگذار شود. دوم اینکه توجه بسیار در امور دیگران سبب خودشیفتگی و برانگیختن رفتارهای برتری جویانه می شود و ممکن است انسان را به خطاهای بزرگ تر وادارد. امیرالمومنین علیه السلام در اهمیت تغافل می فرماید: «اِحْتِمَالٌ مَا يَمُرُّ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْاِحْتِمَالَ سَثْرُ الْعُيُوبِ وَإِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ اِحْتِمَالٌ وَنِصْفُهُ تَغَافُلٌ؛ نِيمي از انسان عاقل بردباری و تحمل است و نیم دیگرش تغافل و نادیده گرفتن» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۹).

حضرت عملکرد انسان را به دو بخش تقسیم کرده است: نیمی از انسان هوشیاری و بیداری در برابر عوامل نفسانی، شرارت و مرارت های درونی خود است تا با سرکوب کردن آنها به سکینه قلبی برسد و نیمی دیگر غفلت در امور شخصی و فردی دیگران است؛ یعنی کمتر به انسان ها نگاه کند و کمتر دنبال لکه سیاه دامن دیگران باشد؛ زیرا این نگاه ها ممکن است که شرارت های درونی خود فرد را نیز زنده کند. همچنین فرموده است: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَعْصَ [لَا يَتَقَاضِ] عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَعَّصَتْ عَيْشَتُهُ؛ کسی که از بسیاری امور تغافل نکند آرامش و آسایش خود را متزلزل کرده است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۹). این سخن امام علیه السلام تکمیل کننده کلام بالاست. چون با توجه کردن به امور مردم آسایش انسان سلب می شود و آسایش چیزی نیست جز سکینه قلبی و روح لطیف که این خصلت با آلوده شدن به گناه از بین می رود و توجه به امور

دیگران نیز سبب بیداری شرارت‌های نفس می‌شود که انسان‌های مؤمن و متدین همواره از این عوامل در فرارند. در جای دیگر می‌فرماید: «لا حلم کالتغافل، لاعقل کالتجاهل؛ بردباری چون نادیده گرفتن نیست و خردی چون وانمود کردن به نادانی و بی‌اطلاعی نیست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۶۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المؤمن نصفه تغافل؛ نصفی از رفتار و گفتار مؤمن مبتنی بر تغافل است» (بحرانی، ۱۴۳۰، ص ۷). در این حدیث، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نکته زیبایی اشاره دارد و آن اینکه تغافل کردن و خود را به بی‌خبری زدن از صفات انسان‌های بزرگ است؛ یعنی این خود مقامی است از مقامات و معرفت و هرگاه انسان این توانمندی را در خود ایجاد کند تا از امور دیگران چشم‌پوشی کند خود دارای مقام و معرفت رفیع می‌شود. زن و شوهری که چنین خصلت ارزنده‌ای دارند انسان‌های عادی نیستند بلکه کسانی هستند که در مسیر زندگی و حقیقت رتبه و درجات بلند معنوی دارند که برای سعادت و خوشبختی خود و خانواده مسیر حق را پیموده‌اند و از دستورات الهی پیروی کرده‌اند و خداوند این درجه رفیع را برایشان اعطا کرده است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «تغافل یحمد امرک؛ تغافل کن تا کارت مورد ستایش قرار گیرد». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۲۴) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قدر و منزلت خود را با تغافل بزرگ دارید» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۵۹/۹). نکته زیبایی که در این حدیث نهفته است این است که انسان‌ها به‌ویژه خانم‌ها همواره تلاش می‌کنند که در بین خانواده دیده‌شوند و از نظر روان‌شناسی نیز خانم با دیده شدن کمال سعودی را طی می‌کند. تغافل بهترین گزینه برای دیده شدن یک انسان است که دوست دارد دیگران او را دوست بدارند. پس زن و شوهری که در برابر خطاهای یکدیگر از سنت نیکویی تغافل و چشم‌پوشی استفاده می‌کنند جلوه زیبا در بین اطرافیان دارند؛ زیرا انسان به‌طور فطری زیباپسند است و زیبایی‌های دیگران را جلب می‌کند و هر اندازه در روابط زناشویی عشق و محبت وجود داشته باشد لذت‌ها و آثار زیبایی‌های زندگی آنها قابل لمس است.

۷-۳. تغافل در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

زیباترین و بهترین جای تغافل در برابر همسر و فرزندان است که بار تربیتی و اصلاحی زیادی دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أُعْرِضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ؛ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش

گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود؛ هنگامی که پیامبر همسرش را از آن خبر داد، گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟» (التحریم: ۳). بنا بر روایات اهل سنت و تشیع منظور از همسر غیر رازدارش در این آیه حفصه بود که او این سخن را شنید و به عایشه بازگو کرد (ابوحیان محمد ابن یوسف، ۱۴۲۰، ۲۰۹/۱۰). پیامبر ﷺ چون از طریق وحی از این افشای راز آگاه شده بود قسمتی از آن را به حفصه فرمود و برای آنکه او زیاد شرمنده و خجل نشود از ذکر قسمت دیگری خودداری کرد. از مجموع این آیه برمی آید که بعضی از همسران پیامبر ﷺ نه تنها او را با سخنان خود ناراحت می کردند بلکه مسئله رازداری که از مهمترین شرایط یک همسر باوفا است نیز در آنها نبود، اما به عکس رفتار پیامبر ﷺ با آنها با تمام این اوصاف چنان بزرگوارانه بود که حتی حضرت حاضر نشد تمام رازی که او افشا کرده بود به رخ او بکشد و تنها به قسمتی از آن اشاره کرد. افراد بزرگوار در مقام احقاق حق شخصی خویش تا آخرین مرحله پیش نمی روند؛ زیرا خداوند در اینجا برای پیامبر ﷺ می فرماید: «او قسمتی را خبر داد و از قسمتی خودداری کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۱۵).

۸. تغافل در زندگی مشترک از دیدگاه قرآن

باید توجه داشت که عیب‌پوشی همسران نسبت به یکدیگر از درس‌هایی است که در کلام وحی نسبت به آن سفارش شده است. برای نمونه خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید...)» (بقره: ۱۸۷). تعبیر پوشش زن و مرد نسبت به یکدیگر کنایه از آن است که هر دو می‌بایست نسبت به عیوب احتمالی یکدیگر تغافل و چشم‌پوشی داشته باشند و از بیان و سرزنش یکدیگر خودداری کنند. بی‌تردید عیب‌جویی یا اظهار عیوب و اشتباهات زن و شوهر موجب ناراحتی و شرمساری و ایجاد زمینه‌های کینه‌ورزی و از دست رفتن فرصت اصلاح و بازسازی می‌شود (اکبری فرد، ۱۳۹۷، ص ۶۴). این تغافل هم در آغاز ازدواج و هم در تنظیم روابط زناشویی مطرح است، پس بحث در دو سطح قابل بررسی و مطالعه است:

الف) آغاز ازدواج و به هنگام گزینش همسر: اگر هر یک از پسران و دختران در امر ازدواج بر ایده‌آل‌های خود پافشاری کنند و حاضر به چشم‌پوشی از بعضی از خواسته‌های خود نباشد هیچ

ازدواجی تحقق پیدا نخواهد کرد. در آغاز ازدواج باید به وجود تفاوت بین انسان‌ها ایمان داشت و قبول کرد که همه نیکی‌ها در یک فرد جمع نمی‌شود. اگر این تفاوت‌ها در کار نبود انسان احساس نیاز به دیگران نمی‌کرد و حاضر نمی‌شد به نیازهای دیگران نیز توجه کند، پس زوج‌های جوان هنگام گزینش ناچارند با محدودیت‌های زندگی هماهنگ شوند و از بعضی از انتظارات خود دست بردارند.

ب) تنظیم روابط زناشویی: بیشترین جایی که باید از راهکار تغافل استفاده کرد محیط زندگی خانوادگی به‌ویژه در مورد تنظیم ارتباطات بین زن و مرد است. به دلیل ارتباط نزدیکی که زن و مرد با هم دارند از اسرار هم آگاهند، نقاط ضعف و قوت یکدیگر را خوب می‌دانند و گاه فراتر از آن از اسرار خانوادگی یکدیگر نیز باخبر هستند. چنین آگاهی نباید در مواقع اختلاف بروز داده شود و نقاط ضعف افراد برای دیگران آشکار شود. (طجری، ۱۳۸۱، ص ۶۴)

گاه در رابطه زن و مرد بر سر توقعات و انتظاراتی که از یکدیگر دارند یا بر سر کمبودها و نارسایی‌ها کشمکش و نزاع پدید می‌آید. چگونگی کنار آمدن با این مشکلات و نحوه حل آنها بسیار مهم است. یک راه حل آن است که فرد قدرتمند در خانه با پرخاش و تندخویی فضای خانه را به گمان خود آرام کند. این روش، مستبدانه و از سر خودخواهی و غرور است. روش دیگر عذرخواهی از اشتباهات است که کانون خانواده را صفا می‌بخشد، اما همسران در مسائلی چون تهیه لوازم غیر ضروری زندگی، بدخلقی‌های مقطعی، جسارت زن نسبت به مرد یا مرد نسبت به زن و انجام نشدن کارهای خانه می‌توانند با روش تغافل بر صفای درون خانه بیافزایند و ریشه کدورت‌ها را بخشکانند. (طجری، ۱۳۸۱، ص ۶۵) روی آوردن به تغافل در اختلافات در هر صورت مفید خواهد بود. اگر این زندگی دوام یابد هر دو طرف با خاطر آسوده به زندگی ادامه می‌دهند و اگر به جدایی بیانجامد هر یک از آن دو این فرصت را دارند که با اطمینان از بدنام نشدنشان در بین مردم به ازدواج مجدد روی آورند.

۹. پیامدهای تغافل پسندیده در تحکیم روابط زناشویی

چشم‌پوشی از لغزش‌ها و عیوب دیگران یکی از سیره‌های اخلاقی و عملی نبی اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام است که در اصلاح اخلاق و رفتار مردم به‌ویژه در روابط زن و شوهر و تربیت آنها نقش مهمی داشته است.

۹-۱. ایجاد فضای آرام در خانواده

عاملی که می‌تواند در زندگی مشترک حضور مؤثر و نافذی داشته باشد بزرگواری و کرامت زوجین است و یکی از نشانه‌های بزرگ‌منشی و کرامت، عفو و گذشت طرفین نسبت به یکدیگر است. بی‌شک زن و شوهر که در یک دوره طولانی با یکدیگر زندگی و معاشرت دارند بیش از هر مجموعه انسانی دیگر باید نسبت به هم روحیه بزرگ‌منشی و مدارا داشته باشند. (اکبری‌فرد، ۱۳۹۷، ص ۵۷) امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «هر کس از بسیاری از امور خلاف دیگران چشم‌پوشی نکند زندگی‌اش تلخ می‌شود» (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۴، ۴۳۷/۹). چشم‌پوشی علاوه بر تأثیراتی که در طرف مقابل دارد سبب آرامش فرد تغافل‌کننده نیز می‌شود؛ زیرا هر اندازه که گناه برجسته شود تلخی‌های آن، کام زندگی زناشویی را تلخ می‌کند. از نظر روان‌شناسی نیز دغدغه‌های فکری نقش زیادی در رفتار عملی انسان دارد؛ یعنی هر اندازه که پیرامون زوایای گناه تفکر و تفحص شود اثرات منفی آن از جمله تلخ‌کامی، از بین بردن قباحت گناه و ساده جلوه‌دادن گناه، زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب حلاوت گناه و رسوخ آن در خانواده می‌شود.

۹-۲. ایجاد فرصت اصلاح و بهبود رفتار

روان‌شناسان در زمینه آثار و نتایج سودمند گذشت و مدارا در خانواده معتقدند که چشم‌پوشی و تغافل نسبت به خطای همسر فرصتی را فراهم می‌کند که فرد نسبت به بهبود رفتار خود و جبران خطایی که مرتکب شده است، اقدام کند. بدیهی است آنگاه که ضربات سهمگین و ویران‌گر انتقاد و نکوهش بر همسر خطاکار فرود آید هرگونه اراده و جرأت برای جبران اشتباه در او کاهش می‌یابد و این فرصت طلایی از وی سلب می‌شود و برعکس تداوم تغافل در درازمدت آثار سازنده و شگفت‌انگیزی در روابط خانوادگی و بین دو همسر ایجاد می‌کند و طرف مقابل را به رفتار مثبت وادار می‌کند. (اکبری‌فرد، ۱۳۹۷، ص ۵۸) در منابع اسلامی به‌ویژه قرآن و روایات به‌کارگیری تغافل در معاشرت‌های اجتماعی و خانوادگی مورد تأکید قرار گرفته است به‌نحوی که امیرالمومنین علی علیه السلام نیمی از مؤمن را تغافل و چشم‌پوشی معرفی کرده است (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۹). از دیدگاه اسلام یکی از عالی‌ترین حالات روحی و ارزشمند صفات انسانی آن است که مرد از زن خود خطایی ببیند، ولی با نهایت بزرگواری خود را به فراموشی یا غفلت بزند

و یا اینکه زن از همسر خود اشتباهی ببیند و در کمال جوانمردی و کرامت، خود را نسبت به آن خطا ناآگاه و جاهل وانمود کند.

۳-۹. تکریم شخصیت تغافل کننده مبنای تحکیم خانواده

باید توجه داشت آنگاه که زن یا شوهر نسبت به خطای همسر خود چشم‌پوشی و تغافل می‌ورزد در واقع به نوعی شخصیت خویش را تکریم می‌کند و با این اقدام در جهت استوارسازی بنای خانواده گام برمی‌دارد؛ زیرا دوام و استحکام بنای زندگی مشترک جز با گذشت و بزرگ‌منشی برقرار نمی‌شود. (اکبری فرد، ۱۳۹۷، ص ۵۹)

۴-۹. ایجاد فضای اعتماد و عدم مقابله

عدم گذشت و چشم‌پوشی از خطای همسر نشانه بی‌اعتمادی نسبت به او است و طبیعی است که همسر خطاکار نیز با دیدن خطاهای طرف مقابل از او گذشت و چشم‌پوشی نخواهد کرد. امام باقر علیه السلام در بیان مصلحت زندگی اشخاص می‌فرماید: «صلاح شأن الناس التعایش و التعاشر ملاً مکیال: ثلثاه فطن و ثلث تغافل؛ صلاح و درستی زندگی و معاشرت با مردم پیمانه‌ای را ماند که دو سوم آن توجه و هوشیاری است و یک‌سوم دیگر آن نادیده گرفتن» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ۴۳۷۴/۹).

۵-۹. رفع سختی و ناگواری در زندگی مشترک

امام علی علیه السلام در بیان عواقب و پیامدهای بی‌توجهی به اصل تغافل و چشم‌پوشی در زندگی می‌فرماید: «من لم یتغافل و لایغض عن کثیر من الامور، تنغصت عیشته؛ آن کس که نسبت به بسیاری چیزها بی‌توجهی و چشم‌پوشی نکند و بخواهد با اندک‌بینی نسبت به همه امور جزئی واکنش نشان دهد زندگی‌اش ناگوار گردد». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ۴۳۷۴/۹)

۶-۹. افزایش تفاهم در زندگی مشترک

تغافل و چشم‌پوشی از خطای کم‌اهمیت همسر زمینه تفاهم در خانواده را فراهم می‌کند؛ زیرا وقتی یکی از زوجین خطای دیگری را نادیده می‌گیرد آنگاه که طرف مقابل نیز خطا می‌کند او نیز تغافل و چشم‌پوشی خواهد داشت و نهادینه‌شدن خلق و روش چشم‌پوشی زمینه‌ساز تفاهم مشترک و پایدار در زندگی می‌شود. عدم تغافل باعث مجادله و تنش در خانواده می‌شود و

سرانجام به ناسازگاری و قهر می‌انجامد و طولانی‌شدن و تکرار آن، قوام خانواده را به خطر می‌اندازد و امر بازگشت‌پذیری زوجین به زندگی گرم، متعادل و بادوام را دشوار و مشکل می‌کند. بنابراین، منطقی است که در برابر رفتار نامناسب و منفی همسر به جای عکس‌العمل تند و ناخوشایند با مدارا و چشم‌پوشی زمینه را برای تحقق رفتار مثبت و سازنده فراهم کرد و به این ترتیب وسیله موجبات آرامش در خانواده را فراهم کرد. (اکبری‌فرد، ۱۳۹۷، ص ۶۰) گاه ممکن است که تغافل در برابر همسر و رفتار خطای او با سکوتی معنادار همراه باشد که برای طرف مقابل گران می‌آید و موجب می‌شود که او در رفتار و کردار خویش تجدید نظر کند و درصدد جبران اشتباه خود برآید؛ زیرا می‌بیند که همسرش با کنترل و ساماندهی رفتار خویش مخالفت خود را با رفتار نادرست او ابراز کرده است بدون اینکه عکس‌العمل تند و ناخوشایندی از خود بروز دهد.

۷-۹. خوش‌نامی

یکی از آثار تغافل، خوش‌نامی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «تغافل کن تا کارت مورد ستایش قرار گیرد». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۲۴) با به‌کارگیری تغافل و چشم‌پوشی بر خطاهای یکدیگر، صفات منفی بروز نمی‌کند و همواره جلوه‌های مثبت خانواده آشکار می‌شود. این عمل سبب خوش‌نامی زوجین در بین خانواده و بستگان می‌شود و در روحیه و اعتماد به نفس اعضای خانواده نقش اساسی دارد. خوش‌نامی یکی از امتیازات بلند اجتماعی برای هر فرد اجتماع و به‌ویژه خانواده‌هاست؛ زیرا تمام روابط و ارتباطات خانوادگی از خوش‌نامی سرچشمه می‌گیرد و خانواده‌ها و زن و شوهرهایی که نام و نشان درستی ندارند در روابط و تعاملات خود دچار مشکل می‌شوند. گاه یک اشتباه کوچک خانوادگی دلیل یک دردسر بزرگ برای فرد می‌شود و سبب بی‌اسم و رسم‌شدن و بی‌اعتباری و از بین رفتن جایگاه اجتماعی فرد می‌شود. چون انسان‌ها به‌طور ذاتی خودبرتربین هستند و نداشتن نام خوش، شکست روحی و هویتی را در پی دارد که خود سبب مشکلات بزرگ روحی، روانی و اجتماعی است.

۸-۹. حفظ حریم زناشویی

خرده‌گیری و ایراد به‌خاطر اشتباهات و سهل‌انگاری‌های عادی و کم‌اهمیت، احترام شخص ایرادگیرنده را خدشه‌دار می‌کند و به همین دلیل امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «قدر و منزلت

خود را با تغافل بزرگ دارید» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۵۹/۹)؛ یعنی تغافل سبب مقام و منزلت زن و شوهر نزد یکدیگر می‌شود و با این کار حریم خانوادگی حفظ می‌شود. خرده‌گیری‌ها گاه تبدیل به عادت می‌شود به‌گونه‌ای که فرد در مسائل خرد و کلان، خرده‌گیری کرده و سبب چالش‌های زناشویی می‌شود. این خصلت آهسته‌آهسته در بین سایر اعضای خانواده سرایت می‌کند و دامن‌گیر فرزندان و سایر خویشاوندان می‌شود و گاه در جامعه سرایت می‌کند و به یک مشکل بزرگ اجتماعی تبدیل می‌شود. اگر ریشه بسیاری از مسائل و معضلات واکاوی شود، مشخص می‌شود که اصل آن از یک عملکرد ناچیز و کم‌ارزش صورت گرفته، ولی به علت عدم تغافل و گذشت تبدیل به یک چالش بزرگ شده است که ریشه‌کن کردن آن دشوارتر از هر زمان دیگری است.

۹-۹. لجاجت‌زدایی

یکی از پرمایه‌ترین اثرات تغافل، ممانعت از لجاجت و لجبازی در بین زوجین است. چیزی که امروزه سبب فروپاشی بسیاری از نظام‌های خانوادگی شده است؛ زیرا این تذکرها و خرده‌گیری‌های پیاپی سبب می‌شود که طرف مقابل نیز به‌خاطر دفاع از غرور و شخصیت خود به‌دنبال بهانه‌جویی‌ها و انتقام‌گیری‌ها برآید. در این زمان، قوه لجاجت فعال می‌شود و زمانی که احساسات غالب شود انتظار هرگونه اتفاقات خطرناک می‌رود. لجاجت از امراض بسیار خطرناک درونی برای انسان است که گاهی سبب بزرگ‌ترین صدمات حیاتی برای افراد می‌شود. در نظام خانوادگی و کانون پرمهر زناشویی بروز این خصلت ناشایسته، مرگ عشق و زندگی را همراه دارد و خطر بزرگ‌تر آن سرایت در بین فرزندان است.

۹-۱۰. دنیا‌گریزی و آخرت‌طلبی

یکی دیگر از آثار تغافل در روابط زن و شوهر، تقویت ایمان و اعتقاد به خدا و انجام احکام و فرامین الهی و دوری از دنیا و متعلقات آن است. انسان‌های خردمند همیشه دنیا را گذرگاهی به سوی آخرت می‌دانند و سعی دارند از این گذرگاه با موفقیت عبور کنند و به سر منزل مقصود برسند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «دنیا خانه ای است که کسی از آن سالم نمانده مگر با اعمال پاکی که در آن انجام دهد... دنیا در دید خردمندان همانند سایه در حال برگشت است به وقتی که آنرا در حال گسترش می‌بینی جمع می‌شود و وقتی رو به افزایش می‌نگری رو به کاهش است» (انصاریان، ۱۳۸۸، ص ۴۴). با این بیان، انسان خردمند از داشته‌های دنیا غره نمی‌شود و از نداشته‌هایش هراسان و نگران

نمی‌شود؛ زیرا می‌داند که داشته‌های دنیا متعلق به دنیاست و باید در همین دنیا مصرف شود و باید زمان کوچیدن همه را رها کرده و همان‌گونه که از شکم مادر به تنهایی آمده است از این دنیا نیز تنها می‌رود. امام علی علیه السلام هدف از خلقت را برای انسان‌های آزاده این‌گونه بیان می‌کند: «مردمی باشید که فریاد هشدار دهنده بر آنان زده شده پس بیدار شده‌اند، و یافته‌اند که دنیا جای ابدی نیست به همین خاطر حیات فانی را به زندگی باقی تبدیل کرده‌اند، زیرا خداوند شما را بیهوده نیافریده، و به حال خود نگذاشته. بین شما و بهشت یا جهنم حایلی جز مرگ نیست که از راه می‌رسد» (انصاریان، ۱۳۸۸، ص ۴۴)، پس سرمنزله مقصود آن سرای است و اگر انسان، دنیای خود را فدای آن سرا کند بهشت برین جایگاه او است و اگر آن سرا را فدای دنیای خود کند عاقبتش دوزخ خواهد بود. در همین خطبه امام علی علیه السلام عوامل رستگاری را برای انسان‌های آزاده چنین معرفی می‌کند: «پس در دنیا توشه بردارید توشه‌ای که خود را به وسیله آن از عذاب فردا حفظ کنید. آن بنده‌ای تقوا پیشه شد که خیر خواه خود گشت، و توبه‌اش را پیش انداخت، و بر شهوتش پیروز شد، زیرا زمان اجل انسان پنهان است، و آرزویش گول زنده اوست، شیطان موکل آدمی است که معصیتش را در نظرش می‌آراید تا مرتکب آن شود، و توبه را به صورت آرزو برای آینده جلوه می‌دهد تا آن را به تأخیر افکند، تا مرگ بر آدمی بتازد زمانی که نسبت به آن غافل‌تر از هر چیز باشد» (انصاریان، ۱۳۸۸، ص ۴۵).

۱۰. نتیجه‌گیری

همسران هر کدام عقاید، رفتار و سلیقه متفاوت دارند، پس نمی‌توان زندگی مشترک را بدون هیچ اختلاف و تعارضی در نظر گرفت. یکی از عواملی که سبب تحکیم روابط زوجین و تداوم زندگی مشترک می‌شود استفاده از مهارت تغافل و چشم‌پوشی از خطاهای یکدیگر است. تغافل در فرهنگ اسلامی اهمیت زیادی دارد تا جایی که نیمی از شاکله انسان خردمند را تغافل دانسته‌اند. از پیامدهای مهم تغافل می‌توان به ایجاد فضای آرامش‌بخش و اعتماد و عدم تقابیل در زندگی، فرصت اصلاح و بهبود رفتار، رفع ناگواری‌ها و سختی‌ها و افزایش تفاهم و تحکیم روابط در زندگی مشترک نام برد. محدوده و قلمرو تغافل شامل تغافل در موارد خطا، تغافل در امور جزئی و غیر سرنوشت‌ساز و تغافل مبتنی بر عقل و مصلحت است و تغافل نسبت به خطاهای تکرارشونده و فراگیر به لحاظ عقلی صحیح نیست.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- * نهج البلاغه. (۱۳۸۸). مترجم: انصاریان، حسین، قم، دارالعرفان.
۱. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: نشر جهان.
۲. ابن فارس، احمدبن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۴. ابوحنیان، محمدبن یوسف (۱۴۲۰). البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۵. اکبری فرد، سمیه (۱۳۹۷). تغافل و نقش تربیتی آن. تهران: انتشارات آثار سبز.
۶. بحرانی، یحیی بن حسین (۱۴۳۰). الشهاب فی الحکم والآداب. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۷. بهرام طجری، علی (۱۳۸۱). چشم اندازی بر جایگاه و نقش تغافل در فرایند تربیت با نگرشی اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۱۰). غررالحکم و دررالکلم. مصحح: رجایی، مهدی. قم: دارالکتاب اسلامی.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دارالعلم.
۱۰. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی (۱۴۰۳). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه اطهار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۱. محدث نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۱۲. محمص، مرضیه (۱۳۹۲). سازگاری همسران از راه تغافل دریافتی از آموزه‌های دینی. نشریه تخصصی تفسیر علوم قرآنی و حدیث، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۸۱-۱۰۰.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. نوری، اعظم (۱۳۸۹). عوامل تحکیم و استحکام خانواده. نشریه طهورا، سال سوم، شماره ۷، صص ۱۷۷-۱۴۵.